

بازشناسی دلایل مشروعیت تعدد زوجات در اسلام*

جلال محمدی^۱

چکیده

چند همسری به معنای اختیار کردن بیش از یک زن در نزد شارع، مقدس منوط به شرایط خاص و رعایت عدالت می‌باشد. پدیده‌ی چند همسری از جمله مباحثی است که در قرن اخیر بسیار مورد توجه اندیشمندان اجتماعی قرار گرفته است. نکته‌ی قابل تأمل در این تبیین‌ها اتخاذ سرسختانه‌ی موضع دفاع یا مخالفت با چند همسری است. از نظر برخی افراد چند همسری در زمان‌های گذشته رسم بوده است و اینک در اکثر جوامع مرسوم نیست. از نظر گروه دیگر تنها اصل تجویز آن در متون دینی، بر جواز انجام آن کفایت می‌کند. این پشتیبانی مجدانه به حدی است که شائبه‌ی راجح بودن این کار را به ذهن متبادر می‌کند. به نظر می‌رسد هنوز این مسأله جزء مسائل مورد مناقشه و سؤال است. آنچه تا کنون از سوی موافقین و مخالفین طرح شده است، اغلب با پیش داوری، قضاوت ارزشی و تعصبات جانبدارانه همراه بوده است. بنابراین لازم است به دور از هر گونه قضاوت به بازکاوی ادله‌های مشروعیت آن و جنبه‌ی جامعه‌شناختی این پدیده و بازتاب آن در اجتماع پرداخت.

واژگان کلیدی: ازدواج مجدد، چند همسری، تک همسری، خانواده، زن، عدالت

* تاریخ دریافت: ۹۴/۱۱/۱۰ تاریخ پذیرش: ۹۵/۹/۵

۱- بازپرس دادسرای عمومی و انقلاب سقز و کارشناس ارشد فقه و مبانی حقوق و مدرس دانشگاه

مقدمه

جنگ عدالت خواهی، احقاق حقوق زنان، هرچند از سوی علم برداران این مجموعه همیشه با حق طلبی منصفانه همراه نبوده اغلب وسیله‌ی تبلیغاتی در دست مغرضان گریده تا بتوانند با اتهام‌های بی‌جا اندیشه‌ها و آرای مخالف خود را غیرمنصفانه، به دور از عدالت و حق‌نگری عنوان نمایند و در این میان بیشترین تازیان‌های به اصطلاح واقع‌گرایانه را بر پیکر اسلام و مسلمانان فروکوبند؛ اما تشدید این جدال، هر چند اندک زمانی رونق گر کاذب تعصبات و ایرادات آنان شد؛ اما در نهایت حقانیت آراء حکیمانه اسلام بر ملا گردید و اندیشمندان مسلمان و غیر مسلمان از مزایای بی‌شمار احکام و قوانین شریعت اسلامی پرده برداشتند. یکی از دست‌آویزهای عدالت خواهی این تیپ از افراد یا افکار، بر خورد با مسئله‌ی تعدد همسران و یا به اصطلاح چند همسری در اسلام است. آنان بدون غور و دقت در جوانب احکام اسلامی، چند همسری را مردود دانسته و آن را عملی ظالمانه و بر خلاف موازین انسانی و بشری بر شمردند. اینان دادن مجوز در خصوص تعدد همسر در اسلام را مرادف با برده‌داری قلمداد کرده و چنین تصور می‌کنند که عملاً با مشروعیت چنین عملی، راه برای نظام برده‌داری باز شده است. قوی‌ترین عاملی که باعث گردیده است تا اینان در برابر نظرگاه اسلام موضع بگیرند، عدم اطلاع کافی از شرایط اجرای چنین حکمی است و اگر می‌توانستند و یا می‌خواستند که مدعیان خود را بر پایه‌های استوار تحقیق و مطالعه استحکام ببخشند، قطعاً همانانی که در جهت حق جویی و حق طلبی حرکت کرده بوده‌اند، به انصاف خواهی و حقیقت‌نگری احکام اسلامی قویاً پی می‌برند.

ایستادگی در برابر فطرت و ناموس خلقت، در نهایت جز به شکست و زبونی منتهی نخواهد شد و تنها تلاشی بی‌ثمر را در پی خواهند داشت، از همین رو است که می‌بینیم ادیان سماوی هم که خود منطبق با چنین منبعی شرف نزول یافته‌اند در نظر به این موضوع از دروازه‌ی انکار وارد نشده‌اند، بلکه با پذیرفتن اصل موضوع به اعمال قوانینی پرداخته‌اند که منجر به اصلاح و عدم انحراف می‌شود چنان که یکی از محققین غربی در تاریخ ازدواج بنام (ویسنمارک) می‌گوید: «تعدد همسران به اعتراف کلیسا عملاً تا قرن هفدهم ادامه داشته است.» همچنین، تورات تعدد همسران را درست می‌داند و در انجیل هم مطلبی که ناسخ این امر باشد نیست در همین قرن بیستم و پس از آن که کلیسا چند همسری را مردود دانست، مجبور شد تارماً به مسیحیان افریقایی اجازه دهد، همسران متعددی داشته باشند هم چنان که دانشمند برجسته‌ای چون توماس، تنها راه حل جلوگیری از شیوع مفاسد اخلاقی را درست شمردن چند همسری می‌داند. جالب است بدانیم که روزنامه‌ی «الأهرام» چاپ مصر، چند سال قبل خبری را منتشر کرده بود که اذعان می‌داشت،

دولت آلمان از دانشگاه الازهر خواسته است تا نحوه تعدد همسران را در اسلام روشن سازد، زیرا آنان می‌خواهند از این طریق راه حلی برای ازدیاد آمار زنان نسبت به مردان پیدا کنند. پس از این درخواست، جمعی از دانشمندان آلمانی به مصر آمده و در این ارتباط با شیخ ازهر به گفتگو و تبادل نظر پرداختند، شیخ ضمن توضیحات خود آنان را متوجه این حقیقت در اسلام کرد و گفت: نکته مهم در چند همسر داری این است که قرآن کریم، عدالت مطلق و کامل در رابطه با همسران را توصیه نموده و بر شوهر الزام گردانیده که هیچ کدام از همسران خود را بر دیگری در مال و در لباس و حتی در مسایل اختصاصی زناشویی، برتری ندهد و پس از این توصیه‌های اکید است که آیه مبارکه قرآنی می‌فرماید: (فَإِنْ خِفْتُمْ أَنْ لَا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً) (سوره‌ی النساء: ۳) پس اگر ترسیدید که عدالت نتوانید پس یکی را ازدواج کنید. اما این که تمایل قلب انسان به کدام یک از همسران است و به کدام یک قلباً علاقه‌ی بیشتری دارد، امری است که نمی‌توان حکمی بر آن مترتب دانست، بلکه علاقه‌ی قلبی انسان، موضوعی میان قلب وی و خدای متعال است. لذا این پژوهش برآن است ضمن بررسی دلایل مشروعیت تعدد زوجات و پاسخ به بعضی از شبهات در مورد مشروعیت تعدد همسران در اسلام و با توجه به اینکه از مهمترین ویژگی نظام قانونگذاری اسلام تدوین دقیق مقررات حقوق بیشتر است. لذا ادله‌های شرعی موضوع بحث تعدد زوجات مورد بازنگری قرار خواهد گرفت و جامع قانونگذار نظام اسلامی راهکارهایی عملی در خصوص موضوع بحث ارائه دهد تا جامعه به قضیه چند همسری که سنت عملی پیامبر (ص) هم بوده است سوق داده شود و از بی‌بند و باری‌های غیراخلاقی که عملاً بدون قید و شرط شرعی دارد، رهایی یابند.

۱- تعریف لغوی تعدد

تعدد از ریشه «ع - د - د» و به معنای بیش از یکی، فراوانی و عدد بسیار است (المصباح، ص ۳۹۵؛ لسان العرب، ج ۳، ص ۲۸۱ - ۲۸۲؛ لغت نامه، ج ۵، ص ۶۸۰۲)

از ظاهر بیشتر آیات قرآن، چنین استنباط می‌شود که نکاح به معنی عقد است: «... وَأَنْكَحُوا الْأَيَّامَ مِنْكُمْ...» (نور، ۳۲)؛ «... وَابْتَلُوا الْأَيَّامَ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ...» (نساء، ۶)؛ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَكَحْتُمُ الْمُؤْمِنَاتِ...» (احزاب، ۴۹) اما در بعضی آیات، مقصود از نکاح، وطی است نه عقد؛ از جمله آیه‌ای که در مورد زنان سه طلاقه است: «حَتَّىٰ تَنْكِحَ زَوْجًا غَيْرَهُ...» (بقره، ۲۳۰) البته به نحو مستقیم، این نکته از آیه به دست نمی‌آید که مراد از نکاح، وطی است؛ بلکه به قرینه‌ی دیگر که از خارج به دست می‌آید، این معنی مراد می‌شود و به ذهن می‌آید.

۲- تعریف لغوی ازدواج

ازدواج مصدر ثلاثی مزید از باب افتعال و (زواج) مصدر باب مفاعله است در لغت به معنای «جفت شدن» و «جفت گرفتن»؛ جمعی از واژه‌شناسان معتقدند لغت نکاح در اصل به معنای «وطی و جماع» است (ابن منظور، ۱۴۰۵: ج ۲، ص ۶۲۶ و جوهری، ۱۴۲۰: ج ۱، ص ۴۱۳ و طریحی، ۱۳۶۷: ج ۴، ص ۳۶۹) معنای عقد نکاح مجازاً به کار رفته است (جوهری، ۱۴۲۰: ج ۱، ص ۴۰۳).

۳- تعریف اصطلاحی ازدواج

در اینجا به مطالعه و بررسی عمده تعاریفی که در این باره وجود دارد و به صورت پراکنده در میان نوشته‌ها و بیانات فقها و حقوقدانان جمع‌آوری شده، پرداخته می‌شود.

۳-۱- تعریف ازدواج از دیدگاه فقها

فقها، (اعم از اهل سنت و امامیه) معتقدند که ازدواج در اصطلاح عبارت از عقدی است که شارع آن را جهت مباح ساختن و مشروع گردانیدن استمتاع هر کدام از طرفین از یکدیگر وضع کرده است. (عاشور، ۱۳۸۸: ۴۸۵ و سیدسابق، ۱۴۲۵: ۵۵۰ تا ۵۶۲)

۴-۱- تعریف ازدواج از دیدگاه حقوقدانان

در قانون ایران نکاح تعریف نشده است بلکه به موجب ماده ۱۰۳۵ قانون مدنی، بحث نامزدی مطرح شده و قید شده که نامزدی ایجاد علقه‌ی زوجیت نمی‌کند هر چند تمام یا قسمتی از مهریه که بین طرفین برای موقع ازدواج مقرر گردیده پرداخت شده باشد. چنانچه تمام یا قسمتی از مهریه‌ی دختر پرداخت گردد در صورت به هم خوردن وصلت قابل استرداد است. در مواردی که به دلایل رعایت جنبه شرعی و به لحاظ مَحرمیت دختر و پسر، صیغه‌ی عقد جاری شده نیمی از مهر قابل استرداد است. در ماده‌ی مذکور قید شده است که هر یک از زن و مرد مادام که عقد نکاح جاری نشده می‌تواند از وصلت امتناع کند و طرف دیگر به هیچ وجه نمی‌تواند او را مجبور به این ازدواج نماید یا از جهت امتناع از وصلت درخواست خسارت نماید. اما بعضی از استادان حقوق در تعریف نکاح گفته‌اند: «نکاح عبارت از رابطه‌ی حقوقی است که به وسیله‌ی عقد بین مرد و زن حاصل می‌شود و به آنها حق می‌دهد که تمتع جنسی از یکدیگر ببرند» (صفائی و امامی، ۱۳۸۴: ۱۵۹-۱۵۶)

ایرادی که بر این تعریف می‌توان گرفت آن است که تمتع جنسی جزء ماهیت نکاح نیست و بدون آن نیز نکاح می‌تواند تحقق پیدا کند؛ لذا نباید آنرا در تعریف نکاح آورد. بعضی از حقوق‌دانان نیز نکاح را چنین تعریف کرده‌اند: «نکاح عقدی است که به هریک از زوجین حق استمتاع از دیگری را به وجه مشروع می‌دهد (عدالت خواه، ۱۳۸۷: ۴۱-۴۳ و ابراهیمی، ۱۳۷۷: ۱۷-۱۹)

۴- معنای اصطلاحی تعدد زوجات

تعدد زوجات و اصطلاح چند همسری در مقابل تک همسری در اصطلاح فقه و حقوق عبارت است از متعدد بودن همسران دائم مردی در یک زمان و به دیگر سخن، ازدواج مرد از روی آگاهی و قصد با چند زن در زمان و دوره‌ی واحد. (فرهنگ فقه، ج ۲، ص ۵۲۵؛ فرهنگ بزرگ سخن، ج ۳، ص ۱۷۸۱. المعجم القانوني، ج ۲، ص ۵۳۳) که در اصطلاح عامیانه به آن تجدید فراش‌های مکرر می‌گویند.

قرآن کریم در یک آیه به صراحت درباره تعدد زوجات سخن گفته: «فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَى وَ ثُلَاثَ وَ رُبَاعًا» (نساء، ۳/۴) و در آیاتی دیگر، برخی مصادیق تعدد زوجات، مانند چند همسری پیامبر اکرم (صلی الله علیه و سلم) را آورده است: «وَأَزْوَاجَهُ أُمَّهَاتُهُمْ». (احزاب، ۳۳/۶؛ نیز احزاب، ۳۳/۵۹، ۵۰؛ تحریم، ۶۶/۱، ۳ - ۵) افزون بر این در آیاتی از وجود همسرانی پاکیزه برای بهشتیان (بقره، ۲/۲۵) و نیز زندگی مؤمنان با همسران صالح دنیوی خود در بهشت یاد کرده است: «وَأَدْخِلْهُمْ... وَ مَنْ صَلَّحَ مِنْ...» (غافر، ۴۰/۸) که بر اساس احادیث در پاره‌ای موارد این همسران بیش از یکی و متعددند. این آیات ضمن مجاز دانستن تعدد زوجات با شرایطی خاص، از برخی شرایط و احکام آن سخن به میان آورده و مسلمانان را به رعایت آنها فرمان داده است. (تفسیر قمی، ج ۲، ص ۸۲؛ وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۴۱۱؛ سنن الترمذی، ج ۳، ص ۱۰۶).

اما در کل اصطلاح چند همسری در مقابل تک همسری فی نفسه واژه ای عام بوده و شامل چند شوهری و چند زنی می‌باشد، اما واژه مورد نظر این تحقیق، چند زنی است.

در واقع این اصطلاح به معنی نوعی ازدواج است که داشتن بیش از یک زن را مجاز می‌شمارد. اصطلاح چند همسری از حیث ریشه شناسی (ایتمولوژی Itemology) تعدد زوج یا زوجه را مشخص نمی‌کند، اما کاربرد تاریخی آن همیشه به مفهوم زناشویی مرد با بیش از یک زن بوده است که در ادوار گذشته وجود داشت و اسلام نیز ضمن محدود کردن آن با نصّ صریح قرآنی آن را امضاء نموده است.

ادله‌ی مشروعیت تعدد زوجات در قرآن کریم

در مورد جواز و مشروعیت تعدد زوجات به دو دسته از آیات میتوان استناد نمود؛ اول آیاتی که به صورت صریح دلالت بر جواز و مشروعیت دارند و دوم آیاتی که تلویحاً بر این جواز، دلالت می‌کنند، که به ترتیب شرح آنها خواهد آمد.

۴-۱- آیات مستقیم ناظر به مشروعیت تعدد زوجات

در چند آیه قرآن تعدد زوجات مطرح شده که مهم‌ترین آنها آیه سوم سوره نساء است.

آیه ۳ سوره نساء

خداوند متعال در این آیه می‌فرماید: *وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَنًى وَثَلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً*) «اگر می‌ترسید به هنگام ازدواج با دختران یتیم رعایت حق و عدالت را درباره‌ی حقوق زوجیت و اموال آنان ننمایید و به سراغ زنان دیگر بروید، از آنها دو نفر یا سه نفر یا چهار نفر به همسری خود انتخاب کنید اما اگر می‌ترسید عدالت را رعایت ننمایید تنها به یک همسر اکتفا کنید».

در خصوص شان نزول این آیه روایات متعددی وجود دارد، آمده که: قبل از اسلام برخی از مردم، دختران یتیم را جهت تکفل و سرپرستی به خانه خود می‌بردند و بعد با آنها ازدواج کرده و اموال آنها را هم تملک می‌کردند و چون همه کارها دست آنان بود حتی مهریه آنها را هم کمتر از معمول قرار می‌دادند و هنگامی که کمترین ناراحتی از آنها پیدا می‌کردند، به آسانی آنها را رها می‌ساختند در این هنگام آیه نازل شد حتی به این موضوع در آیه ۱۲۷ همین سوره اشاره شده است که می‌فرماید: *(وَيَسْتَفْتُونَكَ فِي النِّسَاءِ قُلِ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ فِيهِنَّ وَمَا يُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ فِي يَتَامَى النِّسَاءِ الَّتِي لَا تُؤْتَوْنَ لَهُنَّ مَا كُتِبَ لَهُنَّ وَتَرْغَبُونَ أَن تَنْكِحُوهُنَّ)* (جامع البیان، ج ۴، ص ۳۰۸؛ مجمع البیان، ج ۳، ص ۱۴؛ فقه القرآن، ج ۲، ص ۹۶. زمخشری، ذیل نساء: ۳ و محمد بن عمر فخررازی، ذیل نساء: ۳، قرطبی، ذیل نساء: ۳، المیزان، ج ۴، ص ۱۶۶-۱۶۷)

همچنین در شان نزول این آیه آمده: برخی مسلمانان همانند عصر جاهلیت ۴ یا ۵ یا ۱۰ همسر برمی‌گزیدند و به سبب نیاز مالی، از اموال یتیمان استفاده می‌کردند. آیه درباره اینان نازل شد و مقرر کرد که بیش از ۴ زن اختیار نکنند تا محتاج اموال یتیمان نگردند. (مجمع البیان، ج ۳، ص ۱۴)

برخی دیگر از مفسرین آورده اند: مسلمانان در مورد یتیمان و اموال آنان سخت‌گیری بسیاری داشتند؛ اما با سایر زنان به عدالت رفتار نمی‌کردند. این آیه آنان را امر کرد که عدالت را در مورد همسران خود نیز همچون دختران یتیم رعایت کنند. (جامع البیان، ج ۴، ص ۳۰۹ - ۳۱۰؛ فقه القرآن، ج ۲، ص ۹۶.)

همچنین آورده اند: برخی مسلمانان به سبب ترس از تباه شدن اموال یتیمان و دشواری اداره اموال آنها سرپرستی آنان را بر عهده نمی گرفتند. این آیه از آنان خواست که با دو یا سه یا ۴ نفر از این دختران یتیم ازدواج کنند تا اداره اموال آنها آسان تر شود. (فقه القرآن، ج ۲، ص ۹۷)

اما گروهی دیگر از مفسرین با در نظر گرفتن وضع محیط های مختلف قبل از اسلام در باره شان نزول این آیه مبارکه اظهار داشته اند: این آیه در مورد رویه ی همسر گزینی بدون محدودیت عرب جاهلی نازل شد و تعدد همسران را در ۴ تا محدود کرد. (تفسیر قرطبی، ج ۵، ص ۱۱؛ فتح القدير، ج ۱، ص ۴۱۹).

همچنین روایت شده است نزد مردی از غطفان مال فراوانی وجود داشته است که متعلق به برادر زاده یتیم او بود. هنگامی که یتیم بالغ شد مال خود را از عمویش مطالبه کرد اما آن مرد امتناع نمود. برادر زاده وی نزد پیامبر (ص) علیه او اقامه دعوا کرد و این آیه (وأتوا الیتامی اموالهم...) نازل شد.

اما صرف نظر از شان نزول نکته بسیار مهم در آیه مناسبت میان ذکر یتیمان و نکاح زنان در کلام خداوند متعال است چرا که زنان از لحاظ ضعف مانند یتیمان هستند. (صابونی، ۱۳۸۹: ۴۵۱)

آنچه که یک واقعیت تاریخی و غیر قابل انکار می باشد این است که چند همسری در طول تاریخ بشریت وجود داشته و در حال حاضر نیز، اگر چه در مقیاسی کمتر، اما همچنان وجود دارد. البته باید توجه داشت که چند همسری فوق الذکر، در معنای عام آن به کار رفته است و اعم از چند زنی و چند شوهری است. همان طور که می دانیم برخی مناطق دنیا در گذشته و یا شاید در زمان حال، چند همسری را از نوع چند شوهری آن تجربه کرده اند که این موارد از موضوع بحث فعلی ما خارج است و در این فرصت محدود صرفاً به مقوله ی تعدد زوجات در اسلام می پردازیم که عبارت است از چند زنی در آیینی تمام نمای اسلام.

پیش از هر موضوعی باید یاد آور شویم که تعدد زوجات رهاورد یا سوغات اسلام نبوده و با وجود اینکه مخالفان اسلام در تبلیغات خود مرتب تاکید می نمایند که تعدد زوجات ریشه در اسلام دارد، اما واقعیت امر اینگونه نیست. قرن ها پیش از ظهور اسلام، بحث تعدد زوجات در عرف اقوام بدوی و باستانی وجود داشته و در دین یهود نیز مطرح شده بود.

قابل ذکر است که احکام دین اسلام بر اساس یک تقسیم بندی کلی به دو دسته ی احکام تاسیسی و امضایی تقسیم می شوند و بحث جواز تعدد زوجات در زمره ی احکام تاسیسی دین اسلام نمی باشد، بلکه در دسته ی احکام امضایی قرار می گیرد. در چهار ده قرن پیش در شبه جزیره ی عربستان، مردان هیچ محدودیتی بابت در اختیار بودن زنان متعدّد، نداشتند و اگر مردی ده یا پانزده زن برای خویش اختیار

می نمود، امری کاملاً عرفی و عادی تلقی می شد. در چنین شرایطی پیامبر (ص)، دین اسلام، به خوبی درک نمودند که یکباره نمی توان با عرف ریشه دار تعدد زوجات به مقابله برخاست. به این دلیل تلاش شد تا با این عرف غلط به نرمی برخورد شود تا اثر گذار باشد. لذا تعدد زوجات در دین اسلام، به چهار زن محدود گشت. نتیجتاً این اقدام پیامبر به نسبت زمان و مکان موضوع مورد بحث، اقدامی در راستای احیای حقوق زنان تلقی می شود. مشابه اینگونه از برخوردهای پیامبر با عرف موجود در جامعه عربستان را می توان در بحث برده داری نیز مشاهده نمود.

همان طور که می دانیم در آن زمان رسم بود تا خانواده های ثروتمند عربستان برای خود غلامان و کنیزانی را به بردگی می گرفتند. این موضوع بخشی از عرف آن زمان بود. پیامبر اسلام با وجود اینکه شخصاً با برده داری مخالف بودند اما با این عرف نیز با تدبیر و ملایمت برخورد نمودند و یکباره برده داری را حرام اعلام ننمودند بلکه بارها به مسلمین توصیه نمودند تا با بردگان خویش خوش رفتار بوده و در صورت امکان آنان را آزاد نمایند.

از همین دو مورد فوق می توان نتیجه گرفت که پیامبر اسلام، به عرفیات زمان و محدوده جغرافیایی خویش توجه بسیاری نشان می دادند. در خصوص تدبیر پیامبر در مقابله با عرف و عادات غلط مردم عربستان، می توان به بحث مقابله ای تدریجی پیامبر با مصرف مشروبات الکلی نیز اشاره نمود. همان طور که می دانیم شرب خمر در دین اسلام به یکباره حرام اعلام نشد، بلکه به تدریج و در چند مرحله، حرمت شرب خمر اعلام گشت.

از تمامی مباحث فوق به خوبی به این موضوع می توان دست یافت که عرف زمان و مکان و ساختار اجتماعی جوامع، در دین اسلام بسیار مورد توجه بوده و در حال حاضر نیز باید باشد و این موضوع را می توان به بحث تعدد زوجات نیز تسری داد.

علاوه بر این، دین اسلام دینی اجتماعی است و علاوه بر سعادت فرد، مصالح اجتماعی را نیز مد نظر قرار داده است، لذا با توجه ضرورت های اجتماعی، انتخاب همسران متعدّد را حداکثر تا چهار عدد تجویز کرده است و البته این به هیچ وجه به معنای ترغیب و یا توصیه به چند همسری نیست.

۴-۲- صیغه ای امر در آیه ی [فَانكحُوا مَا طَابَ لَكُمْ]

فقها و مفسرین هم از شیعه و هم سنی معتقدند که امر وارد شده در قول (فَانكحُوا مَا طَابَ لَكُمْ) مانند آیه (كُلُوا وَاشْرَبُوا) برای اباحه است. (محمد علی صابونی، ۱۳۸۹، ص ۴۵۴) اما ظاهریه با تمسک به ظاهر آیه

معتقدند که نکاح واجب است زیرا که امر برای وجوب است. (صابونی، ۱۳۸۹: ۴۵۴).

اما در این خصوص باید گفت نظر به ادامه آیات دیگر سوره و این آیه که می‌فرماید: (وَمَنْ لَّمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ طَوْلًا... وَإِنْ تَصْبِرُوا خَيْرٌ لَكُمْ) (النساء/۲۵) (اگر کسی از شما نتوانست زن آزاده مومنی ازدواج کند..... اگر شکیبایی ورزید برای شما بهتر است) می‌توان این استنباط را نمود که قول واجب بودن نکاح قول راجحی نمی‌تواند باشد همچنین در این خصوص صاحب تفسیر الکبیر می‌نویسد (خداوند متعال حکم فرموده به این که در این صورت ترک نکاح بهتر از انجام آن است و این دلالت دارد به آن که نکاح مندوب هم نیست چه برسد به اینکه واجب باشد. (فخررازی، ج ۹: ۱۷۲)

۴-۳- قول (مثنی و ثلاث و رباع) در آیه

علمای لغت اتفاق دارند که این کلمات از الفاظ عدد هستند و هر کدام از آنها بر عدد مذکور از نوع خود دلالت می‌کند و مثنی بر دو و ثلاث بر سه و رباع بر چهار دلالت دارد و معنای آن چنین است (به تعدادی که می‌خواهید و دوست دارید، دو تا، سه تا، چهار تا، زن بگیرید. (صابونی ج ۱: ۴۵۷)

صاحب تفسیر الکشاف آورده است: چون خطاب برای جمیع افراد است تکرار واجب می‌باشد تا هر کس را که قصد گرفتن چند زن دارد شامل بشود، وقتی یک عرب به یک جماعتی می‌گوید: اقتسما هذا المال والـف درهم: درهمن درهمن ثلاثه ثلاثه واربعة اربعة یعنی (این مال را که هزار درهم است دو درهم دو درهم و سه درهم و سه درهم و چهار درهم و چهار درهم تقسیم کنید و اگر به صورت مفرد می‌آورد معنایی نداشت. (زمخشری، ج ۱: ۱۶۰)

یعنی اگر به جمعی گفته شود (اقتسموا المال الكثير درهمن) کلام صحیح در نمی‌آید ولی اگر فرد بگوید درهمن درهمن درهمن معنایش این می‌شد که هر فرد دو درهم بگیرد نه چهار درهم لذا می‌توان این نتیجه را گرفت که او موجود در آیه برای تخییر بین یک زن تا چهار زن است.

۴-۴- حرمت ازدواج با بیش از چهار زن

باتوجه به توضیحی که در بالا آمد جمهور فقها از عامه (اهل سنت) و امامیه معتقدند که این آیه بر حرمت ازدواج با بیش از چهار زن دلالت دارد. (زحیلی، ج ۸، ص ۶۶۶۷ و المفصل، ج ۶، ۲۹۴).

اما فقهای ظاهریه با استناد به اینکه (واو) در عبارت (فانكحوا ما طاب لكم مثنی و ثلاث و رباع) برای جمع آمده منظور از آن این است که انسان می‌تواند دو و سه و چهار را جمع کند و در نهایت ازدواج با نه زن جایز

است و برای تحکیم بخشیدن به استدلال خود به این تمسک جسته‌اند که پیامبر اکرم (ص) با نه زن ازدواج کرده است و نه زن را در عقد خود داشته است (۲+۳+۴=۹) (ابن حزم، ج ۹: ۴۴۰) و به نقل از علامه قرطبی بعضی از فقهای ظاهریه قایل به این هستند که جمع بین ۱۸ زن مباح است چرا که صیغه امر دلالت بر تکرار دارد و (واو) هم برای جمع می‌باشد (۲+۳+۳+۳+۳+۳+۳+۳+۳+۳=۱۸). (الکشاف، ج ۱: ۳۶۰) البته شیخ طوسی در الخلاف (طوسی، ج ۴: ۲۹۳) و از ابن قدامه در المغنی (ابن قدامه، ج ۷: ۴۳۶) و از صاحب بدایع الصنائع (کاشانی، ج ۲: ۲۶۵) نقل شده که قاسم بن ابراهیم از پیشوایان مذهب زیدیه ازدواج دایم تا نه زن جایز می‌داند.

در پاسخ به این دیدگاه باید گفت که -همانطور که از قبل اشاره شد- (واو) در این آیه به اجماع جمهور مفسرین و فقهای اسلامی (شیعه و سنی) دلالت بر تخییر معنای (یا) دارد چرا که خدای متعال با فصیح ترین لغات اعراب را مورد خطاب قرار می‌دهد چگونه ممکن است لفظ تسعه را رها نماید و به جای آن بگوید (اثنین و ثلاثه و أربعه) و به هیچ عنوان در بلاغت عرب نمی‌گنجد که به جای عبارت (اعط فلانا ثمانیه عشر) از عبارت (اعط فلانا اربعه، سته، ثمانیه) استفاده نمایند.

همچنین در خصوص استدلال بعدی آنها اینکه با فهم صحیح قرآن و سنت و شیوه عمل و رفتار بزرگان سلف به سادگی قابل فهم و درک است که منظور خداوند متعال از آیه این است که برای هیچ کس حلال نیست که در یک زمان بیش از چهار زن را در عقد نکاح داشته باشد. امام شافعی گوید: سنت رسول خدا که بیان کننده‌ی سخن خداوند است، دلالت دارد بر این که غیر از پیامبر (ص) هیچ کس نمی‌تواند بیش از چهار زن را با هم در یک زمان داشته باشد و بین آنان جمع کند. این سخن شافعی مجمع علیه بین علما است، چون شنیده نشده که کسی از یاران پیامبر (ص) و تابعین بیش از چهار زن را در عصمت نکاح خود با هم در یک زمان داشته باشد. مالک در موطأ تخریج نموده و نسائی و دارقطنی در سنن خود آورده‌اند که پیامبر (ص) به غیلان بن امیه ثقفی که به هنگام مسلمان شدن ده زن داشت گفت «اخْتِرْ أَرْبَعاً وَ فَارِقْ سَائِرَهُنَّ» (چهارتا را برگزین و از بقیه آنها کناره گیر). ابوداود از قول حارث بن قیس گفته: من وقتی که مسلمان شدم هشت همسر داشتم و آن را با پیامبر (ص) در میان نهادم، فرمود: «چهار تا را برگزین». مقاتل گوید: قیس بن حارث هشت زن آزاده داشت چون این آیه نازل شد پیامبر (ص) به وی دستور داد که چهار تا را گاه دارد و چهارتا را طلاق دهد. (سید سابق، ۱۳۸۰: ج ۲، ۶۱۳ و ۶۱۴ و فقه آسان، ۱۳۸۰: ص ۴۹۰) و تعدد زوجات بیش از ۴ زن فقط مختص به نبی اکرم (ص) بوده است و لا غیر.

اما در زمینه دیدگاه زیدیه شیخ طوسی می‌نویسد: کسی از زیدیه را ندیده‌ام که این قول را بپذیرد و این

قول را به خود انکار می‌کنند (طوسی، ج ۴: ۲۹۳) در هر حال به نظر می‌رسد نظر جمهور فقها ارجح باشد و سایر اقوال را نمی‌توان پذیرفت، زیرا اصل تعدد زوجات قبل از نزول آیه مباح بود؛ ولی حدود و شرایط آن مشخص نبود و این آیه برای تعیین حدود و شرایط آن نازل گردید. روایات شیعه و اهل سنت و سیره‌ی مشرّعان و اجماع مسلمانان از صدر اسلام نیز مؤید این نظر است؛ اما ازدواج پیامبر (صلی الله علیه و آله) با بیش از ۴ همسر، از احکام اختصاصی آن حضرت است. از سویی هم مباح بودن ازدواج با ۴ همسر دائمی مشروط به توانایی شخص در رعایت عدالت میان همسران است و گرنه نباید با بیش از یک همسر ازدواج کند.

۴-۵. عبارت [فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً] در آیه

همانطور که اشاره شد مسأله‌ی تعدد زوجات از مسائل اختراعی اسلام نیست بلکه به شهادت تاریخ، پیش از اسلام در بسیاری از جوامع و مذاهب وجود داشته است که در فصل‌های قبلی بدان اشاره شده است. کاری را که اسلام انجام داد این بود که بنا به ضرورت‌هایی اصل مسئله را پذیرفته ولی سعی کرده است آنرا تحت قیود، نظام‌ها و ضوابطی قرار دهد و یا شرائطی را برای کسانی تعیین کند که زنان متعدّد داشته‌اند. در حقیقت کار اسلام یک کار اصلاحی بوده است. اولین قدم در این راستا این بود که چند همسری را محدود کرد. اصلاح دیگری که اسلام به عمل آورد این بود که عدالت را شرط کرد و اجازه نداد که به هیچ وجه تبعیضی میان زنان یا میان فرزندان آنها صورت گیرد. قرآن کریم در کمال صراحت فرمود: «واگر بیم دارید که عدالت را رعایت نکنید پس به یکی اکتفا کنید» (آیه ۱۲۹ سوره نساء). اسلام برای مسئله‌ی عدالت آن اندازه اهمیت قائل است که اجازه نمیدهد مرد و زن دوّم در ضمن عقد توافق کنند که زن دوم در شرائطی نامساوی با زن اول زندگی کند اما به صورت خلاصه می‌توان گفت مقصود از عدالت در این آیه شریفه، یکسانی تمایلات قلبی و عواطف درونی نیست؛ بلکه از یکمنظور رعایت حقوق زناشویی و اقتصادی و نیز ابراز عواطف است و از سویی دیگر تقیید مذکور در صدد بیان شیوه ضابطه‌مند و اصلاحگر قرآن نسبت به یک قانون یا سنت اجتماعی می‌باشد به نظر نگارنده. این آیه توصیه نمی‌کند که مردها دو یا سه یا چهار زن بگیرند؛ بلکه می‌گوید اگر نمی‌توانید عدالت را مراعات کنید حق ندارید دختران یتیم را به همسری بگیرید. گاه می‌شود که پدر وفات می‌کند و دختر صاحب مال پدر می‌شود. در این حال برخی مردان با او ازدواج می‌کنند تا به قول معروف مالش را بالا بکشند. لذا آیه‌ی شریفه با بیان اینکه افراد غیر عادل حق ندارند با دختران یتیم ازدواج کنند، به حاکم اسلامی و قیّمین دختران یتیم خط می‌دهد که در

شوهر گرفتن برای دختران یتیم مواظب باشید! چون وضع اینها چنان است که افراد حریص، طمع در مال آنها می‌کنند.

پس توصیه‌ی اول به خود مرد است که مواظب باش که از روی طمع با دختر یتیم ازدواج نکنی! و در ضمن به قیّمین او هشدار می‌دهد که در مورد خواستگاران این گونه دختران، حسّاس باشید و اگر نمی‌توانید با هیچ زنی عدالت را مراعات نمایید، پس بهتر است که کنیز بگیرید و زن دائمی نگیرید. چون بالاخره مرد که نمی‌تواند بدون همسر باشد. از طرف دیگر عرضه‌ی عدالت ورزی هم ندارد. پس اگر بناست که زنی طعم بی‌عدالتی او را بچشد چرا این زن، یک زن آزاد باشد و نه کنیز. چون کنیز اولاً سابقه‌ی دشمنی دارد و مستحقّ مرگ بوده؛ پس کمی آزار باز هم برای او فضل است. ثانیاً کنیز به خاطر اینکه خود را اسیر می‌داند مثل زن آزاد انتظار خوشرفتاری بالایی ندارد و اگر می‌توانی با یک همسر آزاد عدالت بورزی مجاز است که با او ازدواج کنی. و اگر با بیش از یک زن نمی‌توانی عدالت را مراعات نمایی، دومی را نگیر! اما اگر توان مراعات عدالت را داری توصیه نمی‌کنیم که بگیر ولی اگر خواستی مانعی نیست. پس اسلام به کسی توصیه نمی‌کند که بیش از یک زن بگیرد؛ بلکه فقط راه او را - به شرطی که عدالت را مراعات کند - نمی‌بندد. (توضیحات بیشتر در قسمت شرایط تعدد زوجات خواهد آمد)

۶۴- آیات غیر مستقیم ناظر به مشروعیت تعدد ازواج

۶۴-۱- آیه ۱۲۹ سوره نساء

خداوند متعال در این آیه میفرماید: «وَلَنْ تَسْطِیْعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَیْنَ النِّسَاءِ وَ لَوْ حَرَمْتُمْ فَلَا تَمِیْلُوا کُلَّ الْمِیْلِ فَتَدْرُوها کَالْمَعْلُقهٖ وَ اِنْ تَصْلِحُوا وَ تَتَّقُوا فَانِ اللّٰهَ کَانَ غَفُوراً رَحِیْمًا» و هرگز نمی‌توانید (از نظر محبت قلبی) در میان زنان عدالت کنید؛ هر چند کوشش نمایید؛ ولی به کلی تمایل خود را متوجه یک طرف نسازید که دیگری را به صورت بلا تکلیف درآورید و اگر راه صلاح و پرهیزگاری پیش گیرید، خداوند آمرزنده و مهربان است)

افزون بر آیه ۳ نساء/۴، به تصریح مفسران، مشروعیت و جواز تعدد زوجات از آیه ۱۲۹ همین سوره که از ناتوانی در برقراری عدالت قلبی میان همسران متعدد سخن گفته استنباط می‌شود. ذیل نساء: ۱۲۹، طبرسی، مجمع البیان. زمخشری، تفسیر کشاف، ذیل نساء: ۱۲۹).

در خصوص دلیل مفسرین به این برداشت می‌توان گفت از آن جا که قرآن به شوهران تأکید فرموده که نسبت به همسران عدالت داشته باشید، این جا این سؤال پیش می‌آید که عدالت حتی در مورد محبت و علاقه ی قلبی امکان پذیر نیست؛ بنا بر این، در برابر همسران متعدد چه باید کرد؟ آیه پاسخ می‌گوید که عدالت از نظر محبت، در میان همسران امکان پذیر نیست، هر چند در این زمینه کوشش شود. بدیهی است که یک قانون آسمانی نمی‌تواند بر خلاف فطرت باشد و یا تکلیف به آن چه قدرت انسان در آن نیست نماید و از آن جا که محبت های قلبی، عوامل مختلفی دارد که بعضاً از اختیار انسان بیرون است، دستور به رعایت عدالت در مورد آن داده نشده است؛ ولی نسبت به اعمال و رفتار و رعایت حقوق در میان همسران که برای انسان، امکان پذیر است، روی عدالت تأکید شده است. در عین حال برای این که مردان از این حکم، سوء استفاده نکنند می‌فرماید: «اکنون که نمی‌توانید مساوات کامل را از نظر محبت میان همسران خود رعایت کنید، لاقلاً تمام تمایل قلبی خود را متوجه یکی از آنان نسازید که دیگری به صورت بلا تکلیف درآید و حقوق او نیز عملاً ضایع شود» لذا با این توضیحات می‌توان این استنباط را نمود که خداوند متعال مشروعیت چند همسری را پیش فرض انگاشته و سخن در رعایت شرط عدالت میان همسران را آورده است و حتی رعایت عدالت را مافوق استطاعت مردان دانسته ولی از آنها می‌خواهد که در حد توان در اجرای عدالت بکوشند. (تفسیر نمونه، ج ۴ : ۱۵۳).

از سویی هم بعد از تشریح حکم تعدد زوجات در اسلام، برای هر کدام از زوجة حقوقی ثابت شده است که مشروح آن در کتاب های فقهی آمده است و عمده ترین آن، عدالت در امور مربوط به زندگی از قبیل حق همسررداری، تهیه ی وسایل زندگی و ... می‌باشد. آیه می‌فرماید: اگر این گونه امور را نمی‌توانید مراعات نمایید، پس به یک همسر اکتفا کنید. با این استنباط هم از آیه می‌توان به راحتی مشروعیت تعدد همسران را درک نمود.

اما نکته جالب توجه اینکه خداوند متعال در آیه ۴ سوره ی نساء ازدواج با ۴ زن را جایز شمرده است و در آیه ۱۲۳ از همین سوره فرموده است: «شما هرگز نمی‌توانید میان همسرانتان به عدالت رفتار کنید» نکته بسیار مهمی که در خصوص ارتباط میان این دو آیه می‌توان گفت اینکه آیا این دو آیه با هم تعارض دارند؟ نصر حامد أبوزید از عالمان نواندیش مصر می‌نویسد: «قسمت اول: آیه ای است که از اباحه چند همسری بحث می‌کند: «فَأَنْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَى وَ ثُلَاثَ وَ رُبَاعَ وَ انْ خَفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ» (نساء: ۳)؛ پس از زنان، کسی را به نکاح خود درآید که شما را نیکو و مناسب با عدالت است؛ دو یا سه یا چهار، و اگر بترسید که راه عدالت نیپموده، به آنها ستم کنید، تنها یک زن اختیار کنید و

یا به کنیزی که دارید اکتفا کنید.

به این آیه، جواز ازدواج با زنان کنیز ضمیمه شده است (أو ما ملکت ایمانکم) و پیوند زناشویی با کنیز به نص قطعی روشن در این آیه آمده و خود آیه به تنهایی از جهت جواز و روشنی حکم آن در مسأله چند همسری کافی است. اما در حال حاضر، ازدواج با کنیزان، خود به خود در اثر تکامل تدریجی آگاهی بشر در طول زمان و پیشرفت سنت‌های اجتماعی همراه با تحوّل و ترقی زندگی، از بین رفته است و فعلاً کنیز وجود ندارد.

از این رو، فلسفه‌ی جواز چندهمسری تا چهار همسر را باید از خلال روابط طبیعی موجود بین مرد و زن دوره‌ی پیش از اسلام جست‌وجو کرد؛ چرا که دین اسلام در زمان و مکانی پدیدار شد که مردان آن دوره در مسأله ازدواج، نسبت به داشتن تعداد معینی از همسر، محدودیت خاصی نداشتند؛ گروهی از آنان ده یا بیست همسر داشتند. با توجه به این سیاق (و شکل حاکم در روابط زن و مرد دوره پیش از اسلام)، اباحه‌ی دارا بودن همسر تا این عدد (چهار همسر) برای مردان در آیه یاد شده، در واقع برای محدودسازی، بی‌نظمی‌هایی است که مرد در دوره پیش از اسلام در تصاحب زن دارا بود و حکم آیه تحوّل‌ی ویژه در جهت رهانیدن زن از سیطره‌ی مردسالاری آن عصر، به حساب می‌آید.

قسمت دوم: نظر قرآن در این مسأله (چند همسری) به شکل صریحی بیان نشده است، لذا می‌توان از آن به دیدگاهی پوشیده و مسکوت عنه در متن نص قرآنی یاد کرد.

به این رأی ناگفته قرآن می‌توان از طریق جمع بین دو آیه ذیل دست یافت:

«وإن خفتم ألا تعدلوا فواحدة»؛ و اگر بترسید که راه عدالت نیموده، به آن‌ها ستم کنید، تنها یک زن اختیار کنید.

«لن تستطيعوا أن تعدلوا بین النساء و لو حرصتم» (نساء: ۱۲۹)؛ شما هرگز نتوانید میان زنان به عدالت رفتار کنید، هرچند راغب و حریص بر عدل و درستی باشید.

آیه اول داشتن بیش از یک همسر را مشروط به رعایت عدالت در بین همسران نموده است؛ آیه‌ای که در قسمت اول دلیل، بر تضييق چندهمسری تأکید داشت.

آیه دوم رعایت عدالت بین زنان را در حالت تعدد همسران نفی می‌کند؛ نفی ترکیب یافته از دو جزء به دلالتی یکسان؛ نفی امکان اجرای عدالت در بین زنان به نحو نفی ابدی و نفی تکاپوی راغبانه بر محقق ساختن این عدل.

وقتی این مطلب را هم بدان اضافه کنیم که عدالت در اسلام یکی از اصول بنیادین محسوب می‌شود،

اندک تعارض موجود بین مبدأ (قانونگذاری اسلامی) که همان اصل عدالت باشد و حکم به اباحه چندهمسری از نقطه نظر قرآن را به خوبی درمی یابیم و هرگاه حکم با اصل در تعارض باشد، چاره‌ای جز این نیست که برای پاسداشت اصل، حکم را فدای آن کنیم و این گونه است که قرآن (آیات مربوط به چندهمسری) در تکامل آرام سیاق داخلی خود، چندهمسری را به طور ضمنی و یا با دلالتی که از آن به صراحت سخن نگفته است (دلالت مسکوت عنه)، حرام می‌شمرد. (أبوزید: ۲۰۰۲) به چاپ رسیده است. (در آغاز، ضرورت دارد به این نکته اشاره نماییم که خداوند متعال این قرآن شریف را بر رسول خود وحی نموده است و این معجزه‌ی الهی کلام خداوندی است که از هر گونه تضاد و اختلاف و پراکنده‌گویی عاری است؛ برخلاف کتاب‌های بشری که غالباً دچار تضاد و اختلاف می‌باشد و در مواردی در آغاز آن مطلبی ثابت می‌شود ولی در پایان، همان مطلب نقض می‌شود. ولیکن قرآن تنها سخنی است که در آن چنین نقصی وجود ندارد و خداوند متعال نیز فرموده است:

(أفلا يتدبرون القرآن و لو كان من عند غير الله لوجدوا فيه اختلافاً كثيراً)؛ [سوره ی نساء، آیه‌ی ۸۲] آیا در باره‌ی قرآن نمی‌اندیشید؟ اگر از سوی غیر خدا بود، اختلاف فراوانی در آن می‌یافتید.

پاسخ به این سوال با توجه به توضیحات ارایه شده کاملاً روشن است. هرگز این دو آیه با هم تضاد ندارند. صاحب‌المیزان می‌نویسد: در آیه‌ی اوّل می‌فرماید: شرط تعدد زوجات، عدالت بین همسران است و در آیه‌ی دوّم می‌فرماید شما که این قدر خودتان را به زحمت می‌اندازید که حتّی نسبت به میل و علاقه و محبت درونی بین همسران عدالت برقرار نمایید. این چنین خود را به مشقّت نیاندازید؛ چرا که محبت قلبی خارج از اختیار انسان است؛ ولی نسبت به اعمال و رفتار و رعایت حقوق در بین همسران، شما موظف به عدالت می‌باشید و چنین عدالتی تحت قدرت شما است و قابلیت اجرا در زندگی دارد. (المیزان، ج ۵: ۱۶۳)

نکته بسیار مهم دیگر در خصوص این آیه اینکه برخی مؤلفان با استناد به آیه ۳ نساء/۴ که بیانگر اشتراط جواز تعدد زوجات به توانایی بر رعایت عدالت است: «فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً» و آیه ۱۲۹ نساء/۴ که مسلمانان را از رعایت عدالت میان همسران ناتوان دانسته: «وَلَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَكُلَّ حَرْصَتُمْ» گفته‌اند که تعدد زوجات در واقع در اسلام ممنوع است (المیزان، ج ۵، ص ۱۰۲)؛ و به واقع این آیه اخیر آیه ۳ سوره نساء را نسخ کرده است. برخی از اینان چنین تحلیل کرده‌اند که اسلام برای الغای رسم تعدد زوجات ابتدا تعداد را در ۴ محصور کرد. سپس تعدد را به عدالت مشروط کرد و سرانجام با ناتوان دانستن شوهر از اجرای عدالت، تعدد زوجات را یکسره مردود دانست [المراه فی الفکر الاسلامی، ج ۱، ص

۲۵۴ - ۲۵۷]، به هر روی، این نظریه مردود است، زیرا اولاً مراد از عدالت در دو آیه متفاوت است. ثانیاً از ادامه آیه ۱۲۹ نساء/۴ و روایات شیعه و اهل سنت و نیز سیره‌ی مستمر مسلمانان جواز تعدد زوجات برای مردان استفاده می‌شود. برخی نیز مطلقاً مخالف قانون تعدد زوجات و حکم اسلام در این مورد بوده و برای اثبات دیدگاه خود استدلالها و شبهات متعددی مطرح کرده‌اند که در ادامه به آنها پرداخته خواهد شد.

۲-۶-۴- آیه‌ی ۲۳ سوره‌ی نساء

«حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ ... وَ أَنْ تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا»

اعراب جاهلی ازدواج همزمان با دو خواهر را نیز جایز می‌شمردند در این آیه ازدواج با دو خواهر در یک زمان حرام اعلام شده است (تفسیر ابن کثیر، ج ۱، ص ۴۸۴؛ المیزان، ج ۴، ص ۲۶۰، ۲۶۵). به نظر برخی، عبارت «إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ» بر جواز ازدواج با دو خواهر در شرایع گذشته دلالت دارد، چنان‌که حضرت یعقوب (علیه السلام) دو خواهر به نامهای لیا و راحیل را به عقد خود درآورد؛ اما بسیاری برآن‌اند که با این تعبیر به رواج این کار در میان عرب جاهلی اشاره و تأکید شده است. اما به طوری که این آیه هم دلالت التزامی بر مشروعیت تعدد همسران دارد چراکه در تعدد زوجات، ازدواج با دو خواهر در یک زمان حرام است و به فرض نامشروع بودن آن، حکم به حرمت ازدواج با دو خواهر در یک زمان لغو خواهد بود. جمع کردن میان دو خواهر در ازدواج، یکی از مصادیق فواحشی شمرده شده که آیه ۱۵۱ انعام/۶: «وَلَا تَقْرُبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَّنَ» از آن منع می‌کند.

در حکم یاد شده، تفاوتی نیست میان خواهر رضاعی و نسبی و نیز دو خواهری که از یک پدر و مادر باشند و آنها که تنها در پدر یا مادر مشترک باشند. این ممنوعیت در ازدواج موقت نیز وجود دارد. برخی در مورد استمتاع از کنیز نیز بدان قائل شده و گفته‌اند که مالکیت و بهره‌مندی از دو خواهر در یک زمان ممنوع است. البته پس از مرگ یک خواهر یا طلاق او و سپری شدن زمان عده طلاق، ازدواج با دیگری جایز است. فقهای اهل سنت با استناد به برخی احادیث، ازدواج همزمان با زنی و عمه یا خاله او را نیز حرام دانسته‌اند اعم از اینکه نسبی باشند یا رضاعی [اما فقهای شیعه با استناد به عموم آیه ۲۳ - ۲۴ نساء/۴: «حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ ... وَ أَجْلٌ لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَلِكَ» و آیه ۳ نساء/۴ آن را جایز شمرده‌اند هرچند بر اساس روایات این امر مشروط به رضایت عمه و خاله شده است. شماری نیز این ازدواج را حتی در صورت راضی نبودن عمه یا خاله جایز دانسته‌اند.

۶۴-۳- آیات ۲۸ و ۳۴ و ۵۰ و ۵۳ و ۵۹ سوره‌ی احزاب

قال تعالی الله: «يا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجِكُمْ إِن كُنْتُمْ تَرْضَوْنَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا فَتَعَالَيْنَ أُمَتِّعْكُنَّ وَأَسْرَحِكُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا (۲۸)»

«وَأَذْكُرَنَّ مَا يُتْلَى فِي بُيُوتِكُنَّ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ وَالْحِكْمَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ لَطِيفًا خَبِيرًا (۳۴)»

«يا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَحْلَلْنَا لَكَ أَزْوَاجَكَ اللَّاتِي آتَيْتَ أُجُورَهُنَّ وَمَا مَلَكَتْ يَمِينُكَ مِمَّا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَيْكَ وَبَنَاتِ عَمِّكَ وَبَنَاتِ عَمَّاتِكَ وَبَنَاتِ خَالَكَ وَبَنَاتِ خَالَاتِكَ اللَّاتِي هَاجَرْنَ مَعَكَ وَامْرَأَةً مُؤْمِنَةً إِن وَهَبْتَ نَفْسَهَا لِلنَّبِيِّ إِنْ أَرَادَ النَّبِيُّ أَنْ يَسْتَنْكِحَهَا خَالِصَةً لَكَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ قَدْ عَلِمْنَا مَا فَرَضْنَا عَلَيْهِمْ فِي أَزْوَاجِهِمْ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ لِكَيْلَا يَكُونَ عَلَيْكَ حَرَجٌ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا (۵۰)»

«يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ إِلَى طَعَامٍ غَيْرِ نَاطِرِينَ إِنَاهُ وَلَكِنْ إِذَا دُعِيتُمْ فَادْخُلُوا فَإِذَا طَعِمْتُمْ فَانْتَشِرُوا وَلَا مُسْتَأْنِسِينَ لِحَدِيثٍ إِنْ ذَلِكُمْ كَانَ يُؤْذَى النَّبِيَّ فَيَسْتَحْيِي مِنْكُمْ وَاللَّهُ لَا يَسْتَحْيِي مِنَ الْحَقِّ وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ وَمَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُؤْذُوا رَسُولَ اللَّهِ وَلَا أَنْ تُنكِحُوا أَزْوَاجَهُ مِنْ بَعْدِهِ أَبَدًا إِنْ ذَلِكُمْ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمًا (۵۳)»

«يا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا (۵۹)»

آیات متعددی از سوره احزاب از زنان پیامبر (ص) سخن گفته است و عبارات گوناگونی مانند (قل لازواجک) (یا نساء النبی) (بیوت النبی) در آیات دلالت بر تعدد زوجات پیامبر (ص) در زمان نزول آیات دارد و در اصل از یک سو دلالت بر تعدد ازواج برای پیامبر اکرم (ص) می‌کند و از سوی دیگر مسلمانان جز در احکام اختصاصی پیامبر (صلی الله علیه و آله) در دیگر تکالیف با آن حضرت شریک‌اند و اصل تعدد زوجات از اختصاصات پیامبر (صلی الله علیه و آله) شمرده نشده است همچنین از برخی آیات برمی‌آید که آن حضرت افزون بر همسران دائمی که با عقد ازدواج همسر او شده بودند، همسر یا همسرانی دیگر که به صورت هبه به همسری آن حضرت درآمده بودند و نیز کنیزانی داشته است: «يا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَحْلَلْنَا لَكَ أَزْوَاجَكَ الَّتِي آتَيْتَ أُجُورَهُنَّ وَمَا مَلَكَتْ يَمِينُكَ مِمَّا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَيْكَ ... وَامْرَأَةً مُؤْمِنَةً إِن وَهَبْتَ نَفْسَهَا لِلنَّبِيِّ إِنْ أَرَادَ النَّبِيُّ أَنْ يَسْتَنْكِحَهَا خَالِصَةً لَكَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ». (احزاب/۵۰، ۳۳) به نظر برخی مفسران تنها یک زن به روش هبه به همسری پیامبر (صلی الله علیه و آله) درآمد؛ ولی عده‌ای تعداد آن را بیش از یک نفر و برخی ۴ زن دانسته‌اند. در احادیث شیعه و اهل سنت نیز تعدد زوجات آن حضرت ذکر شده است..

۶۴-۶-۴- آیه‌ی ۵۹ سوره‌ی یوسف

در داستان حضرت یوسف در قرآن خطاب به برادرانش می‌گوید (برادر پدری خود را به نزد من بیاورید) (یوسف/۵۹) هر چند که روشن نیست که آنان در یک زمان همسر او بوده‌اند یا در زمان‌های مختلف اما می‌توان گفت که آیه دلالت بر تعدد همسران حضرت یعقوب می‌کند.

۶۴-۷- آیات دال بر وجود همسرانی پاکیزه برای بهشتیان و مومنان

« وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ كُلَّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ رِزْقًا قَالُوا هَذَا الَّذِي رُزِقْنَا مِنْ قَبْلُ وَأُتُوا بِهِ مُتَشَابِهًا وَلَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَهُمْ فِيهَا خَالِدُونَ » (بقره/۲۵)

« رَبَّنَا وَأَدْخِلْهُمْ جَنَّاتِ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدْتَهُمْ وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ » (غافر/۸)

هر دو آیه به صورت ضمنی بر مجاز دانستن تعدد زوجات دلالت دارند.

النهاییه اینکه قرآن کریم در یک آیه به صراحت درباره‌ی تعدد زوجات سخن گفته: «فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَى وَثُلَاثَ وَرُبْعًا» (نساء/۴،۳) و در آیاتی دیگر، برخی مصادیق تعدد زوجات، مانند چند همسری پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) را آورده است: «وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ». (احزاب/۳۳، ۶؛ نیز احزاب/۳۳، ۵۹، ۵۰؛ تحریم/۶۶، ۱، ۳ - ۵) افزون بر این در آیاتی از وجود همسرانی پاکیزه برای بهشتیان (بقره/۲، ۲۵) و نیز زندگی مؤمنان با همسران صالح دنیوی خود در بهشت یاد کرده است: «وَأَدْخِلْهُمْ ... وَ مَنْ صَلَحَ مِنْ ... آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ» (غافر/۴۰، ۸) که بر اساس احادیث (جهت مطالعه بیشتر مراجعه شود به: تفسیر قمی، ج ۲، ص ۸۲؛ وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۴۱۱؛ سنن الترمذی، ج ۳، ص ۱۰۶). در پاره‌ای موارد این همسران بیش از یکی و متعدّدند. این آیات ضمن مجاز دانستن تعدد زوجات با شرایطی خاص، از برخی شرایط و احکام آن سخن به میان آورده و مسلمانان را به رعایت آنها فرمان داده است که در مباحث بعدی به آنها پرداخته خواهد شد.

ادله‌های ناظر بر مشروعیت تعدد زوجات در روایات و سیره‌ی ائمه و بزرگان افزون بر آیات قرآن، در احادیث شیعه و اهل سنت نیز جواز تعدد زوجات به صورت ضمنی یا صریح مطرح شده است.

رواه احمد وابن ماجه والترمذی عن ابن عمر؛ قال (اسلم غیلان الثقفی تحتہ عشرينسوه فی الجاهلیه، فاسلمن معه فامرہ النبی ان یختار منهن اربعاً)

(امام احمد حنبل وابن ماجه وامام ترمذی) از بزرگان حدیث اهل سنت) از ابن عمر روایت کرده‌اند که

غیلان ثقفی وقتی که مسلمان شد ده زن داشت و وقتی که یلام آورد پیامبر به وی امر کرد که از میان آنها تنها بهار زن اختیار نماید.) البته این روایت را امام مالک در موطا تخریج نموده است و روایتی موثق می‌باشد. (موطا ج ۶، حدیث ۱۵۹)

۷-۴- تعدد زوجات در سیره‌ی پیامبر اکرم (ص)

قرآن کریم در آیات متعدد با تعبیری از همسران پیامبر اکرم یاد کرده که حاکی از تعدد همسران آن حضرت است و در احادیث و روایات شیعه و اهل سنت نیز تعدد زوجات آن حضرت ذکر شده است شمار همسران پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) را گوناگون نقل کرده‌اند. به نظر مشهور، آنها ۹ زن بوده‌اند. زنان پیامبر (صلی الله علیه و آله) را چنین نام برده‌اند: حضرت خدیجه، سوده دختر زمعه، عایشه، ام سلمه، حفصه، زینب دختر جحش، جویریة، ام حبیبه، صفیه، میمونه، فاطمه، زینب دختر خزیمه، اسماء، قتیلہ، ام شریک، سنا دختر صلت و نیز دو کنیز به نامهای ماریه قبطیه و ریحانه. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) با برخی از این زنان تنها عقد ازدواج را جاری کرد، بدون آنکه با آنان زندگی کند. آن حضرت تنها با ۱۱ نفر از این زنان زندگی کرد که دو نفر از آنان، یعنی حضرت خدیجه (علیها السلام) و زینب بنت خزیمه در زمان حیات آن حضرت و بقیه پس از وفات پیامبر از دنیا رفتند. اما صرف نظر از جنبه تشریحی سیره‌ی ایشان نکته بسیار مهمی که وجود دارد خرده ای است که بر مساله تعدد زوجات رسول خدا صلی الله علیه و آله، وارد شده است و گفته‌اند: تعدد زوجات جز حرص در شهوترانی و بی طاقتی در برابر طغیان شهوت هیچ انگیزه دیگری ندارد و رسول خدا روی همین جهت تعدد زوجات را برای امتش تجویز کرد و حتی خودش به آن مقداری که برای امت خود تجویز نموده (چهار همسر) اکتفا ننموده و عدد همسرانش را به نه نفر رسانید. ابتدا لازم است که نظر ایراد و اشکال کننده را به این نکته معطوف بداریم که تعدد زوجات رسول خدا به این سادگی‌ها که آنان خیال کرده‌اند نبوده و انگیزه آن جناب از این کار زیاده روی در زن دوستی و شهوترانی نبوده است، بلکه در طول زندگی و حیاتش هر یک از زنان را که اختیار می‌کرده، به طرز خاصی بوده است.

به هنگام بیان فلسفه تعدد همسران پیامبر اکرم (ص) روشن می‌شود آن حضرت بخاطر خواسته‌های شخصی یا رسیدن به مال و منال و یا برای استعمار زنان و بهره‌بری از آنان در کارهای کشاورزی و دامپروری ازدواج نکرده است. اساساً این دیدگاههای منفی که اکنون مطرح است در آن زمان مطرح نبوده و به همین جهت، مخالفان فراوانی که پیامبر اکرم (ص) صدر اسلام داشت و بر هر کار پیامبر اشکال

می گرفتند و اهل بهانه‌جویی و اشکال‌تراشی بر حضرت بودند، هیچ کدام این مسئله را به عنوان عیب و ایراد بر او وارد نکردند. ابوسفیان که سخت‌ترین دشمن آن حضرت است، آنگاه که حضرت (ص) با دختر وی ازدواج می‌کند، از فرط شادمانی می‌گوید: «ذلک الفحل لا یرغم انفه؛ شکست و خواری بر این جوانمرد مباد.» (عابدینی، ۱۳۸۱: ص ۶۷-۶۸)

این ازدواج‌ها مشکلاتی برای پیامبر ایجاد می‌کرد که هر کسی حاضر به تحمل چنین مشکلاتی نبود، تحمل این مشکلات، پیامبر را در چشم مخالفان و دشمنان، کرامتی والا بخشیده است. در قدیم، برخلاف امروز، زن و فرزند زیاد از لحاظ اقتصادی به نفع مرد بوده است. مرد از زنان و فرزندان خود مانند بردگان کار می‌کشیده است این جهت می‌تواند علت تعدد زوجات واقع شود، زیرا مرد تنها با قبول همسری رسمی زن می‌تواند از مزیت کثرت اولاد بهره‌مند شود.

علامه سیدمحمد طباطبایی درباره تعدد زوجات می‌نویسد: «داستان تعدد زوجات پیامبر (ص) را نمی‌توان بر زن‌دوستی و شیفتگی آن حضرت نسبت به جنس زن حمل نمود؛ چه آنکه برنامه‌ی ازدواج آن حضرت در آغاز زندگی که تنها به خدیجه اکتفا نمود و همچنین در پایان زندگی که اصولاً ازدواج بر او حرام شد، با بهتان زن‌دوستی آن حضرت منافات دارد.»

رسول خداصلی الله علیه وآله با بعضی از همسرانش به منظور کسب نیرو و به دست آوردن اقوام بیشتر و در نتیجه، به خاطر جمع آوری یار و هوادار بیشتر، ازدواج کرد و با بعضی دیگر به منظور جلب دل‌جویی و در نتیجه، ایمن شدن از شر خویشاوندان آن همسر ازدواج کرد و با بعضی دیگر به این انگیزه ازدواج کرد که هزینه‌ی زندگی‌شان را تکفل نماید و به دیگران بیاموزد که در حفظ پیر زنان از فقر و مسکنت و بی‌کسی، کوشا باشند و مؤمنین، رفتار آن جناب را در بین خود سنتی قرار دهند و با بعضی دیگر به این منظور ازدواج کرد که با یک سنت جاهلیت، مبارزه کند و عملاً آن را باطل سازد

۴-۱ همسران حضرت علی (ع)

نخستین همسر آن حضرت، فاطمه زهرا (ع) دخت گرامی پیامبر خدا بوده است. علی (ع) تا زمانی که فاطمه در قید حیات به سر می‌برد با کس دیگری پیمان زناشویی نسبت. پس از وفات فاطمه، آن حضرت با امامه دختر ابو العاص بن ربیع بن عبد العزی بن عبد شمس که فرزند زینب دختر پیغمبر بود ازدواج کرد. ام البنین دختر حزام بن دارم کلایبه، زن دیگری بود که علی (ع) او را به عقد خود درآورد. پس از ام البنین، آن حضرت با لیلی دختر مسعود بن خالد النهشلیه تمیمه دارمیه ازدواج کرد و پس از وی با اسماء بنت عمیس

خثعمی پیمان زناشویی بست. اسماء تا قبل از شهادت جعفر بن ابیطالب، همسر وی بود و پس از شهادت جعفر، ابو بکر او را به ازدواج خود درآورد و چون ابو بکر از دنیا رفت، علی (ع) او را به همسری خویش گرفت. یکی دیگر از همسران امیر المؤمنین (ع) ام حبیب دختر ربیعہ تغلبیه و موسوم به صہبا بوده است. این زن از قبیله «سبی» بود که خالد بن ولید در عین التمر بر آنها حمله برده و ایشان را به اسیری گرفته بود. خولہ دختر جعفر بن قیس بن مسلمہ حنفی و یا به قولی دیگر خولہ دختر ایاس از دیگر زنان آن حضرت بوده است. همچنین علی (ع) با ام سعد یا ام سعید دختر عروہ بن مسعود ثقفی و نیز مخبأہ دختر امری القیس بن عدی کلبی پیمان زناشویی بست. (دائرة المعارف الاسلامیة الشیعة، ج ۱، ص ۹۵)

۹-۴- مخالفین تعدد زوجات

تعدد زوجات مورد بحث و انتقاد بسیاری از دانشمندان و متفکران واقع شده و طرفداران و مخالفان جدی دارد. اندیشمندان غرب با تعدد زوجات مخالفند و آنرا بر مردم شرق بویژه مسلمانان خرده می‌گیرند. مخالفان بحث تعدد زوجات بر این باورند و اعتقاد دارند چند همسری محیط خانوادگی را که باید کانون مهر و نیکی باشد به میدان جنگ تبدیل می‌کند و عداوت چند دستگی را در خانواده بوجود می‌آورد که به اصطلاح امروزی موجبات طلاق معنوی (همان جدایی غیرفیزیکی که در وجود و روان زوجین از یکدیگر را فراهم می‌نماید و این موضوع به طور واضح در جامعه‌ی کشور ما مشهود بوده و هست و کسی نمی‌تواند آن را کتمان کند. و باید به این نکته توجه داشت که اگر محیط خانواده درگیر چنین موضوعی باشد قطعاً جامعه را دچار تزلزل خواهد کرد زیرا خانواده ابتدایی ترین مرکز تربیت نسل برای ورود به جامعه است و اگر کانون آن دچار این چنین معضلی شود قانون را بیشتر از اینکه بخواهد عدم منع تعدد زوجات را بپذیرد باید خود را در گیر معضلات دیگر آن کند و چه بسا جنایت غیر قابل جبرانی به تبع این موضوع اتفاق بیفتد و حتی بسیار دیده شده است این امر باعث از هم گسیختگی بسیاری از خانواده‌ها گردیده است یا اینکه مخالفان تعدد زوجات آن را بر خلاف مقام زن و برابری او با مرد و نشانه‌ای از یک رژیم مردسالاری و زور گویی مردان در ادوار قدیم دانسته‌اند. می‌گویند: خدا یکی، زن هم یکی، عشق و احساسات قابل تقسیم و جیره‌بندی نیست؛ چند همسری محیط خانواده را که باید کانون مهر و نیکی باشد به میدان جنگ تبدیل می‌کند و عداوت و دو دستگی یا چند دستگی بین اعضا پدید می‌آورد؛ مردی را که منافع زناشویی را با ازدواج، به زنی واگذار کرده است نمی‌تواند آن را به زن دیگر بفروشد، مگر اینکه زن اول به این امر رضایت دهد؛ و می‌گویند اگر مرد بتواند چند زن بگیرد چرا زن حق چند شوهری نداشته

باشد که به نظر حقیر که این مطلب گزافه‌گویی است و با کرامت زن سازگاری ندارد.

گروه دیگری که در این ارتباط آسیب می‌بینند، فرزندان خانواده هستند. بسیار دیده شده به دنبال ازدواج مجدد پدر، فرزندان به حال خود رها می‌شوند یا کمتر مورد توجه قرار می‌گیرند. دکتر حیاتی در این زمینه تاکید می‌کند: ازدواج مجدد در اصل دستوری است برای حل معضلات اجتماعی. اگر قرار است با ازدواج مجدد، معضل دیگری به وجود آوریم نباید مورد استفاده قرار بگیرد. به همان اندازه که می‌خواهیم با ازدواج مجدد، مشکل زنی را که به عقد ازدواج دوم در می‌آوریم حل کنیم، باید به مشکلات زن اول نیز توجه کنیم. همچنین موافقان موضوع تعدد زوجات عنوان داشته‌اند عده‌ی زنان آماده به ازدواج بیشتر از مردان است و در این صورت مصلحت اقتضا می‌کند تعدد زوجات پذیرفته شود در پاسخ به استدلال این افراد باید گفت اینکه آمار تعداد زنان آماده ازدواج بیشتر است بر پایه‌ی چه حقیقتی است و حال اینکه نظر آنها درست باشد آیا باید پذیرفت که با پناه دادن و ازدواج با یک زن مجرد و یا بیوه زندگی اصلی را از میان برد زیرا بسیار دیده شده است که تعدد زوجات باعث از هم گسیختگی خانواده‌ها و معضلات فراوان شده است و اگر جامعه‌ای می‌خواهد با این معضل و مشکل عدم تاهل دختران و زنان مقابله کند بهتر است که زمینه‌های ازدواج پسران را سهیل کند زیرا در جامعه امروز ما به وضوح مشاهده می‌شود که افراد پر درآمد جامعه اقدام به امر تعدد زوجات می‌نمایند آن هم نه ازدواج با زنان یا دختران مسن و بیوه بلکه با دختران جوانی که حق پسران جوان می‌باشند. زیرا بسیار اتفاق افتاده است که دختر باکره با مرد مسن و سالخورده به جهت تمکن مالی آن مرد ازدواج می‌کند.

در پاسخ به این ایرادات باید گفت: علمای دین اسلام و صاحب نظران فقه اسلامی همواره استناد به آیات قرآن کریم بحث تعدد زوجات را امری مباح دانسته‌اند و همانطور که بارها اشاره شد جواز تعدد زوجات از احکام تاسیسی اسلام نمی‌باشد و از جمله‌ی احکام امضایی است که دین اسلام با توجه به شرایط خاص خود آن را تأیید کرده است و با توجه به تاریخ در می‌یابیم که اسلام آن را از جهتی تحدید کرده است و با استناد به آیات ۳ و ۱۲۹ سوره نسا که می‌گوید اجرای عدالت در بین زنان بسیار سخت است و از آن بترسید، مبین آن است که اسلام به راحتی جواز تعدد زوجات را صادر نکرده است و به گونه‌ای امت خود را از آن بر حذر داشته است و اینکه قانون شرع در جهت تشدید سخت‌گیری‌های موضوع این عمل وضع شده است. تعدد زوجات به معنی شهوت پرستی و حرمسرا داری نیست. چند همسری به عنوان استثنا و راه حل پاره‌ای از مشکلات اجتماعی قابل قبول می‌باشد و زیان آن به مراتب کمتر از رفیقہ بازی و معشوقه‌گیری است که هیچ تعهدی برای مرد ایجاد نمی‌کند از این رو طبع هوسباز و تنوع طلب بسیاری

از مردان امروز آن را بر چند همسری رجحان می‌نهد. (صفایی و امامی، ۱۳۸۵: ۹۵)

چند همسری عامل نجات یک همسری است زیرا اگر در موارد استثنایی اجازه چند زنی داده نشود، رفیقه بازی و معشوقه گیری رواج می‌گیرد و این روش خانواده‌ها را متلاشی می‌کند و ریشه‌ی تک همسری واقعی را می‌خشکاند. که با توجه به جوامع غربی و ممنوعیت تعدد زوجات شاهد این موارد هستیم. باید اذعان داشت در اغلب اجتماعات عده‌ی زنان بیشتر از مردان است، و در این صورت مصلحت اجتماع اقتضا می‌کند که تعدد زوجات پذیرفته شود تا همه زنان بتوانند شوهر داشته باشند و از مزایای تشکیل خانواده محروم نمانند. حق تاهل یک حق فطری و طبیعی است. محرومیت از ازدواج زیانهای جسمی و روحی بسیاری برای زن به بار می‌آورد. بنا براین چند همسری در این گونه جوامع نه تنها تحقیر زن نیست، بلکه حقی برای زن به سود اوست و از نظر مصلحت اجتماعی، بعضی از خانواده‌ها باید آنرا با فداکاری و گذشت تحمل کنند. گرفتاری ما این است که الان مسائل اسلامی و قوانین الهی در جامعه‌ی اسلامی غالباً به شکلی عملی می‌شود که زشت و در ذهن روشنفکر منفور است روشنفکر هم حق دارد این نوع عمل را نفرت بار بشمارد اما چون نمی‌توان این شکل کنونی را از روح قانون اول تفکیک کرد و روح قانون اسلامی را تحلیل کرد خود به خود چنین وضعی پیش آمده که این مسائل در ذهن نسل جوان منفور هستند. در حالی که در خود اسلام به شکل بسیار عالی و مترقی مطرح شده یکی از همین مسائل تعدد زوجات است این شکل که الان در جامعه‌ی ما مطرح است یک هوسچرانی بی بند و بار فردی است اما تعدد زوجات در اسلام کاملاً ضد چیزی است که الان عمل می‌شود و ما سابقه‌ی ذهنی با آن داریم.

از جمله مسائل و ضرورت‌های اجتماعی است به خصوص اگر در متن آیاتی که مساله‌ی تعدد زوجات مطرح است به دقت بنگریم (سوره‌ی نسا) در آنجا کاملاً نشان می‌دهد که در طرح سرنوشت یتیم‌ها مسئله‌ی تعدد زوجات مطرح شده. یعنی در موقعی که قرآن از مساله‌ی یتیم‌ها- به خصوص در جامعه‌ی آن زمان که فرد بی سرپرست سرنوشت شومی را در پیش داشته - از تعدد زوجات سخن می‌گوید و این خود نکته‌ی مهمی است.

در پایان باید گفت فواید موجود در موضوع تعدد زوجات به مراتب خیلی بسیار است نسبت به مضرات آن و اگر چنانچه اسلام نیز به صورت نا محدود جواز آن را داده است مبنی بر آن نیست که این موضوع تاییدی باشد و اگر قرار است جواز این موضوع صادر شود بایستی خیلی محدود باشد و این مستلزم آن است تا بر قوانین و احکام شرعی دقت نظر بیشتری شود و اصل تک همسری رعایت گردد. در صورت وجود سایر شرایط چند همسری نیز مباح می‌باشد. و ترتیبی داده شود که به صورت قانونمند در آید.

۱۰- ازدواج مسیاری

نوع دیگری از ازدواج می باشد که با ازدواج های قبلی (عرفی و دائم) تفاوتی ندارد، بطوری که با انجام توافقات لازم و موافقت زوجین مبنی بر جاری شدن صیغه ازدواج و عقد شرعی بدون آگاهی و اطلاع دیگران از این موضوع محقق می گردد.

در اینصورت، زوج با توجه اش به توافق می رسند که در زمان های خاص و تعیین شده ای در مسیر و در مکان مخصوصی شبانه یا روزانه یکدیگر را ملاقات نمایند. (عبدالحلیم، محمدابوشقه، ۱۹۹۹: ص ۳۲) از اینرو، به استقرار در یک مکان ثابت، این نوع ازدواج «مسیاری» نامیده شده است. که معمولاً به ازدواج در مسافرت ها هم شهرت دارد.

علیهذا، توجه در این ازدواج از کلیه حقوق شرعی خود اعم از گرفتن نفقه، مسکن و زندگی دائمی و عدالت بین او و سایر زنان های زوج (در صورت داشتن زنهای دیگر) صرفنظر می نماید. این نمونه از ازدواج، علاوه بر مصر و برخی از کشورهای دیگر، بیشتر در سرزمین حجاز و کشورهای عربی حوزه جنوبی خلیج فارس بطور گسترده ای شیوع دارد.

اما آنچه که در زندگی زناشویی این نوع ازدواج ها را تهدید می کند، زمانی است که همسر اول زوج زوجش (زن اولی) در جریان ازدواج شوهرش با زن دیگری قرار گیرد در اینصورت است که، کنترل و مراقبت از وی و پرسش و پاسخ ها شروع می شود و احتمالاً اختلاف زن و شوهرش شروع می شود. اما آنچه مسلم است این است که در این ازدواج، توجه و فرزندان حق دارند که از زوج ارث ببرند.

و این ازدواج جز با فوت یکی از زوجین یا وقوع طلاق پایان نمی پذیرد. اخیراً، موضوع این ازدواج ها، مطرح شده و بحث هایی هم شده و موافقین و مخالفین این مسأله هم نظریاتی ارائه داده اند.

بطوری که روزنامه «الشرق الاوسط» در تاریخ ۲۰۰۰/۱/۱۶ میلادی، برخی از آراء، اندیشه ها و فتاوی گروهی از علماء و اساتید را منتشر ساخت. (عبدالواحد وافی، ۱۹۶۰: ص ۳۰)

شیخ یوسف قرضاوی، ازدواج مسیاری را جائز دانسته و حلال بودن آن را اعلام داشت و بیان کرد: «ازدواج مسیاری، ازدواجی است شرعی و صحیح و هیچ شک و شبهه ای در صحت آن وجود ندارد... در این ازدواج، توجه از برخی از حقوق شرعی خویش صرفنظر می کند و تا مادامیکه زوج از همسرش رضایت دارد، ازدواج مذکور ادامه خواهد داشت.» (همان، ص ۳۱)

همچنین شیخ الازهر دکتر محمد سید طنطاوی نیز ضمن تأیید مطالب مذکور، بیان داشت: «ازدواج مسیاری، از نظر شرعی حلال است به خاطر اینکه کلیه ارکان یک عقد شرعی را از نظر ایجاب و قبول بین

طرفین عقد و وجود دو شاهد برای تحقق عقد در آن لحاظ شده است.» (همان، ص ۳۲)

آقای دکتر عبدالرحمن العدوی؛ رئیس کمیته بررسیهای فقهی در مجمع بررسی های اسلامی نیز با تأیید ازدواج مذکور، اظهار داشت: «این ازدواج از دیدگاه شرع اسلام، حلال است، لیکن صرفنظر کردن زوجه از دریافت حق و حقوقش، به وی این اجازه را نمی دهد که در مقابل حقوق مرد، تفریط نماید و استواری اش را از دست بدهد. (همان، ص ۱۹)

چرا که مرد، اعطاء نفقه به او را رد نکرده، بلکه خود زوجه به وضع موجود راضی شده است. همینطور آقای جلال قطب، رئیس قبلی کمیته فتوا در الازهر نیز ازدواج مذکور را تأیید کرده و معتقد است که این نوع ازدواج با قوانین عمومی شریعت اسلامی مطابقت دارد، لیکن از نظر اجتماعی امر پسندیده ای بنظر نمی رسد.

و اگر جامعه با این نوع ازدواج مشکلی نداشته باشد و آن را بپذیرد، این ازدواج هم از نظر شرعی و هم از نظر اجتماعی مورد قبول است.

وی همچنین اضافه کرد که مخالفین این نوع ازدواج ها، مسأله میان درست و نادرستی از دیدگاه اجتماعی و میان حلال و حرام از نظر شرعی را با هم خلط کرده اند.

لازم به ذکر است شیخ یوسف البدوی، عضو مجلس اعلی در امور اسلامی مصر، ازدواج مزبور را تأیید کرده و گفته است: «این ازدواج از نظر شکلی و ظاهری، کلیه شروط یک ازدواج صحیح را دارا بوده و از لحاظ مضمون و محتوی نیز با توجه به تغییرات ممکنه در نیت شخص مبنی بر اینکه در نفس خود ادامه ازدواج را در نظر داشته باشد و یا اینکه آن را تابع مدت زمان معینی کند، تفاوت دارد. (محمد حسن جمل، بی تا: ص ۹۶)

اما در هر دو صورت، در صحت و درستی عقد تأثیری نخواهد داشت، چرا که ما از نظر شرعی صرفاً به شکل و صورت و ظاهر کار داریم و رسیدگی به نیت های افراد مربوط به خداوند عزوجل می باشد. اما از نظر خانم دکتر سعاد صالح، استاد و رئیس دپارتمان فقه در دانشگاه از هر، این نوع ازدواج، هدف و منظور اصلی شارع مقدس از تشویق به امر ازدواج که همانا ایجاد تسکین و آرامش و محبت و دوستی و تشکیل خانواده و تربیت فرزندان صالح می باشد، را تأمین نمی کند و صرفاً برای تحقق اهداف ویژه و خاصی مقرر گردیده و ازدواج ناپایداری است که موجبات بروز مفساد بزرگ اجتماعی و تربیتی عظیمی را فراهم آورد.

بنابراین، گرچه این ازدواج حرام نیست، ولی به لحاظ آثار سوء مرتبت بر آن، مکروه خواهد بود.

اما دکتر عبدالمعطي بیومی، رئیس دانشکده اصول دین در دانشگاه الازهر در قاهره و عضو مجمع پژوهش‌ها معتقد است که این نوع ازدواج از موارد التقاطی در شریعت اسلامی است و به کرامتها و بزرگواری‌های موجود در مردان و زنان صدمه می‌زند، زیرا در اسلام، ازدواج میثاق و پیمانی است محکم که زن و مرد را با یکدیگر پیوند می‌زند و ارتباط زناشویی و علقه زوجیت سبب بوجود آوردن فرزندان صالح و نسل بسیار خوبی می‌گردد که باید جانشین خداوند در زمین باشند. (احمد زک یمانی، ص ۲۴)

و از این نقطه نظر، این نوع ازدواج از نظر شرعی مکروه است و کراهت آن بحدی است که به حرمت نزدیک است.

پس اصلح آن است که بجای تشویق مردم به انجام این نوع از ازدواج‌ها، آنان را به کم کردن شرایط مهریه و تسهیل در این امر دعوت کنیم تا به سمت ازدواج‌های شرعی و طبیعی مبادرت نمایند.

۱۱- تعدد زوجات در رویه‌ی قضایی ایران

بعد از انقلاب اسلامی در عمل برخی از محاکم خانواده، به هیچ ماده‌ای از مواد قانون حمایت خانواده و برخی فقط به مواد ۱۷-۱۶ و برخی دیگر به مجازات‌های مقرر در آن استناد نمی‌کردند، در حالیکه برخی دادخواست‌های تمکین زوجه همراه با درخواست اجازه ازدواج مجدد از دادگاه خواسته می‌شود و برخی از این دادخواست‌ها به جهت عدم توانایی مالی شوهر رد می‌شود؛ ولی برخی از ازدواج‌های مجدد، بدون اجازه دادگاه و به‌طور مخفیانه و بدون ثبت یا بعضاً ثبت غیرقانونی انجام می‌شود. به هر حال هیچ رویه‌ی ثابتی در این موضوع وجود ندارد. اما با توجه به نظر شورای نگهبان قانون حمایت خانواده و مواد ۱۷-۱۶ آن لازم الاجراست و فقط مجازات مندرج در آن نسخ شده است.

این شروط بدون قید ضمانت اجرا و فقط با تعیین مجازات کیفری یا مشابه آن برای افرادی که خارج از عدالت رفتار می‌کنند، بی‌فایده است. در حالی که نمی‌توان این ازدواج را باطل و فرزندان آنان را نامشروع دانست (کاتوزیان، ۱۳۷۵: ۱۲۱). بنابراین برای کسانی که بدون شرایط، اقدام به تعدد زوجات می‌کند، باید تدبیری اندیشیده شود.

در لایحه‌ی جدید حمایت خانواده اجازه دادگاه لازم دانسته شده و دادگاه برای صدور مجوز باید اولاً توانایی مالی شوهر را احراز کند؛ ثانیاً تعهد به اجرای عدالت بین همسران را احراز نماید؛ ثالثاً زوج متقاضی باید مهریه‌ی زوجه‌ی اول را در صورتی که حال باشد و زوجه مطالبه نموده، پرداخت نماید. در ماده ۴۷ برای سردفتری که بدون اجازه دادگاه اقدام به ثبت نکاح مجدد نماید؛ مجازات انفصال دائم از سردفتری را پیش‌بینی کرده است. با قید پرداخت مهریه از جهاتی سخت‌گیری مهمی به عمل آمده است؛ زیرا حتی در

قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳ در صورت رضایت زوجین یا سایر موارد؛ پرداخت مهریه زوجه اول برای تجدید فراش الزامی نبود. گرچه قانون سابق با تعیین موارد و علل تعدد زوجات نسبت به لایحه جدید سخت‌گیری بیشتری کرده بود.

نتیجه‌گیری

زوجیت اساس عالم خلقت و به معنای یکی برای یکی است و این به مفهوم تثنیه، تثلیث و تربیع نیست. ازدواج‌های نامحدود و ازدواج‌های گروهی پس از ظهور اسلام منسوخ شدند. شریعت اسلامی، سیستم وحدت زوجه یا تک همسری را بر تعدد زوجات یا چند همسری ترجیح می‌دهد (اعراف، ۱۸۹). «قرآن کریم به مومنان تک همسری را توصیه می‌کند و تعدد زوجات برخلاف آن چه برخی پنداشته‌اند، تنها به عنوان یک حکم ثانوی مطرح و قابل فهم است؛ آن هم مشروط به اینکه مرد، بتواند عدالت را در حق تمام همسران رعایت کند و هیچ یک از آنان را معلق (نه شوهردار و نه بی‌شوهر) نگذارد و در برزخ میان مرگ و زندگی رها نکند.

عموم مسلمانان، مشروعیت تعدد زوجات را پذیرفته‌اند. علیرغم اینکه ازدواج موقت فقط در فقه شیعه پذیرفته شده است، ولی اختیار چند همسر دائمی در بین تمام فرق مسلمین مورد قبول است؛ زیرا در قرآن کریم اصل ازدواج با چند زن تحریم نشده، اگرچه اختیار مرد در نکاح با چند زن مشروط واقع شده است. روایات معتبری از شیعه و سنی در جواز تعدد زوجات وجود دارد که جای هرگونه شک و تردیدی را در این باره از بین می‌برد. همچنین سیره بزرگان و امامان (ع) و مسلمانان در طول تاریخ موید جواز تعدد زوجات است. از آیات شریفه قرآن کریم (در سوره نساء) درباره تعدد زوجات، اباحه مشروط استنباط می‌شود، حال این شرط منصرف به عدالت تکلیفی است؛ چرا که قرآن کریم: حکم این مسئله را معلق به خوف نه علم نموده و می‌فرماید: «اگر می‌ترسید چند همسر اختیار کنید به یک زن اکتفا نمائید و نمی‌فرماید: «اگر می‌دانید که نمی‌توانید عدالت را برقرار کنید» علتش این است که در این اموری که وسوسه‌های شیطانی و هواهای نفسانی اثر روشنی در آن دارد، غالباً علم برای کسی حاصل نمی‌شود و قهراً اگر خدای تعالی قید علم را آورده بود، مصلحت حکم، فوت می‌شد. درباره عدالت سه مرحله وجود دارد:

اول: علاقه قلبی که امری طبیعی و غیر اختیاری است به این مرحله از عدالت تکلیف تعلق نمی‌گیرد چرا که امری غیراختیاری است.

دوم: انجام تکالیف همسری را نسبت به همه همسران یکسان انجام دهد.

سوم: عوامل درونی را نسبت به کلیه همسران به یک نحو بروز و ظهور دهد، ولو در واقع یک اندازه نباشد. بدیهی است، مرحله دوم عدالت (تکلیفی) واجب است و مرحله سوم بدون شک، نزد خداوند مطلوب است و نمی‌توان به وجوب آن حکم کرد، حداکثر می‌توان استحباب آن را قبول نمود. اما وجود اشکالات و نارسائی‌های مطروحه در قانون ملازمه با تحمیل هزینه‌های پیدا و پنهان مالی و غیر مالی بر خانواده‌ها، جامعه و دولت داشته و رفع آن و تجدید نظرهای در این قانون نیز مستلزم تحمیل مجدد هزینه‌های کلان بر بیت المال و جامعه و دولت خواهد بود. همین مهم، شاید درسی برای دولتمردان و قانون‌گذاران باشد که ضمن پرهیز از شتابزدگی و خودداری از تدوین قوانین غیر کارشناسی و غیرجامع و ضرورت استفاده از تجارب حرفه‌ای همه مشاغل و تخصص‌های کارشناسی مرتبط با موضوع قانونگذاری، از تصویب قوانین دارای آثار زیانبار بر جامعه، به خصوص خانواده‌ها و کودکان خودداری نمایند. بی‌شک، زوایای پنهان و جدید دیگری از این قانون در مقام اجرا متعاقباً، بر مجریان و قضات و کارشناسان امر آشکار خواهد گشت که خود بیانگر افزایش اشکالات وارده بر این قانون می‌تواند باشد. تضعیف نهاد مهریه و ضمانت‌های قانونی مقرر، ترویج عملی تعدد زوجات و نهاد ازدواج موقت و تعدیل و حذف الزامات قانونی مقرر نسبت به قوانین قبلی، دو گانگی در الزام یا عدم الزام دادگاه‌های خانواده در رعایت تشریفات قانون آئین دادرسی مدنی، مکانیسم ضعیف قابل پیش بینی مراکز مشاوره به مانند شوراهای حل اختلاف، شکاف و فاصله عینی و عملی مراکز وکالتی، دانشگاهی و مطالعاتی با دست اندرکاران و قانونگذاران این قانون و دیگر موارد مطروحه، همه و همه بر مشکلات عینی و عدم جامعیت کاربردی قانون مزبور خواهد افزود. چنین نیست که اسلام تعدد زوجات را بدون قاعده و اساسی مشروع گردانیده باشد و این امر از هیچ قاعده و اصلی پیروی نکند. اگر قرار بر این باشد که مطلقاً تعدد همسران را مردود بدانیم، در این صورت در مواردی از جمله عقیم و نازا بودن زن، یا تولد فرزندان ناسالم و مریض و یا آن که زن مبتلا به مریضی بوده که امکان معالجه نداشته باشد، و یا آن که بد خلق بوده، زندگی و حیات شوهرش را به جهنم سوزانی تبدیل کرده باشد. پس چه باید کرد و راه علاج چیست که حلقه‌ی مفقوده‌ای است که اسلام آن را پیدا کرده است و جواب سؤال‌ها را داده است. هرچند یکی از موضوعاتی که همیشه جریانات ضد مذهبی برای حمله به اسلام دست به دامان آن می‌شوند موضوع چندهمسری مردان در دین اسلام است! وعده‌ای (بخوانید مذهبی‌های شرمنده!) برای اینکه در مقابل این جماعت به اصطلاح کم‌نیاورده باشند و بعد خیال خودشان از اسلام دفاع هم کرده باشند شروع به انکار اصل چندهمسری در اسلام می‌کنند و آنرا به موارد محدود و آنهم با شرط و شروط آنچنانی که برای هیچ بنی بشری دست یافتنی نیست تقلیل می‌دهند تا مثلاً بگویند

این حکم در واقع کان لم یکن تلقی می‌شود! حال آنکه یکی از نقاط قوت دین اسلام وجود چند همسری و تعدد زوجات در آن است و اگر نبود این حکم بی‌بدیل گویا که نقصی در دین وجود داشت. و اگر همانگونه که شرع گفته مورد عمل قرار گیرد و تعداد زوجات نسخه شفافبخش نیازهای فردی و اجتماعی در جامعه انسانی است و در این فرمول شرعی یعنی تعدد زوجات) منافع همه‌ی انسانها اعم از زنان و مردان در نظر گرفته شده است. لذا هر تلاشی برای محدود و مسدود کردن آن نتیجه‌ای به جز براه افتادن روسپی‌گری در خانه‌های پیدا و پنهان و بالا رفتن میزان افسردگی بین زنان و مردان و شیوع اپیدمی طلاق بین خانواده‌ها و رواج بی‌بند و باری جنسی ندارد و چه بسا مشکلات جسمی و امراض لاعلاج و مزمن نیز در نتیجه‌ی بی‌بند و باری عینی خارج از محدوده‌ی فرمول مزبور گریبانگیر جامعه گردد.

فهرست منابع

- ۱- آملی، جواد، بهار ۱۳۸۸، حق و تکلیف در اسلام، مرکز نشر اسراء، چاپ سوم.
- ۲- ابدالی، مهرزاد، ۱۳۸۸، درآمدی بر فلسفه حقوق و نظریه های حقوقی، انتشارات مجد، چاپ اول.
- ۳- اصفهانی، محمدحسین، قم ۱۴۲۴، حاشیه کتاب مکاسب، جلد ۱، چاپ عباس محمد آل سباع قطیفی.
- ۴- المقری الفیومی، احمد بن علی، ۱۴۰۵ ق، قم، دارالاجره.
- ۵- تبیت، مارک، ۱۳۸۶، فلسفه حقوق، ۱۹۵۰م، مترجم حسن رضایی خاوری، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، چاپ دوم.
- ۶- تهانوی، محمد علی، ۱۹۶۶، کشف اصطلاحات الفنون و العلوم، بیروت، مکتبه لبنان ناشرون، چاپ اول.
- ۷- خراسانی، محمد کاظم بن حسین، تهران ۱۴۰۶، حاشیه کتاب مکاسب، جلد ۱، چاپ مهدی شمس الدین.
- ۸- خوانساری نجفی، موسی، ۱۴۱۸-۱۴۲۱ ق، منیه الطالب فی شرح المکاسب، تقریرات درس آیت الله نائینی، جلد ۱، قم.
- ۹- خوئی، ۱۴۱۲، تقریرات درس مصباح الفقاهه، جلد ۲، بیروت.
- ۱۰- دل وکیو، زمستان ۱۳۸۶، فلسفه حقوق، مترجم جواد واحدی، انتشارات میزان، چاپ دوم.
- ۱۱- خمینی، روح الله، ۱۳۷۹، کتاب البیع، جلد ۱.
- ۱۲- صغیری، اسماعیل، جزوه فلسفه حقوق، دوره دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز
- ۱۳- طباطبایی، شیخ محمد کاظم، حاشیه بر مکاسب، جلد دوم، چاپ سربی قم.
- ۱۴- فخار طوسی، جواد، ۱۳۸۵، در محضر شیخ انصاری، شرح بیع، جلد ۱۰، چاپ غدیر، چاپ دوم.
- ۱۵- کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۵، فلسفه حقوق، جلد سوم، انتشارات شرکت سهامی انتشار، چاپ سوم.
- ۱۶- کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۸، فلسفه حقوق، جلد اول، انتشارات شرکت سهامی انتشار، چاپ پنجم.